

## ایده‌ها

# کرونا مشت آمریکا را باز کرد

وقتی همه انگاره‌های آمریکایی پیرامون خودش متزلزل می‌شود

آن اپلبائوم<sup>۱</sup>، روزنامه‌نگار و نویسنده مجله و تارنمای آتلانتیک و عضو ارشد موسسه آگورا در دانشگاه جان هاپکینز، در این مطلب با عنوان «کرونا مشت آمریکا را باز کرد»<sup>۲</sup> - که در ۱۵ مارس ۲۰۲۰ در تارنمای آتلانتیک منتشر شده است - بیان می‌کند که آمریکا همانند ژاپن در اواسط دهه ۱۸۰۰، اکنون با بحرانی مواجه است که هر آن چیزی را که این کشور درباره خودش فکر می‌کرد و قبول داشت، متزلزل کرده و سبب شده است تا یک امپراتور عربیان را به نمایش بگذارد. از سوی دیگر، خاطرنشان می‌سازد که این بحران، تنها حاصل عملکرد دونالد ترامپ نیست بلکه نتیجه دهه‌ها کوتاهی و اهمال‌کاری در نظام بهداشت و سلامت ایالات متحده است.

در هشتم ماه جولای سال ۱۸۵۳، فرمانده ناوگان متیو پری<sup>۳</sup> در نیروی دریایی آمریکا، همراه با دو کشتی بخار و دو کشتی دریانوردی که تحت فرمان او بودند، به خلیج توکیو سفر کرد. او با یک گردان از ملوانان و تکاوران مسلح به خشکی رسید؛ متیو به‌طور متظاهرانه‌ای یکی از کشتی‌ها را به سوی لنگرگاه فرستاد تا مردم بتوانند آن را ببینند. سپس نامه‌ای از رئیس‌جمهور میلارد فیلمور<sup>۴</sup> تسلیم ژاپنی‌ها کرد. در آن نامه از ژاپنی‌ها خواسته شده بود تا بندرهای خود را به روی تجارت آمریکا بگشایند. وقتی هم که مردم به سویشان رفتند، نیروی دریایی متیو با تفنگ‌هایشان شلیک هوایی کردند، آن‌ها بسیار ترسیدند؛ «مانند صدای صاعقه از دور بود». خاطره‌نویس آن زمان نوشته است که «این صدا در کوه‌ها طنین یافت و پژواک آن دوباره شنیده شد. این پژواک، به قدری سهمگین بود که مردم ادو<sup>۵</sup> (توکیو مدرن) وحشت

کردند»؛ اما فقط پژواک شلیک‌ها نبود که مردم ژاپن را ترساند. تدبیر مشهور پری، ژاپنی‌ها را متقاعد ساخت که سیستم سیاسی آن‌ها قادر نیست تا از پس انواع جدید تهدیدها برآید. ژاپنی‌ها در داخل جزیره خود، ایمن بودند و چندین دهه بود که حاکمان آن به برتری فرهنگی خود می‌نازیدند. ژاپن، منحصربه‌فرد، خاص و زادگاه خدایان بود. متفکر ملی‌گرا، آیزوا سیشی‌سای<sup>۶</sup>، تقریباً سه دهه قبل از آمدن پری به ژاپن گفته بود که «ژاپن در قله کره زمین قرار دارد که این موقعیت، آن را برای سایر ملت‌های جهان، به مکانی مناسب و استاندارد تبدیل کرده است»؛ اما کشتی‌های بخار و تفنگ‌ها، آن حرف را تغییر دادند. ناگهان ژاپنی‌ها فهمیدند که فرهنگ، سیستم سیاسی و فناوری‌شان، قدیمی شده است. رهبران مبارز سامورایی آن‌ها و فرهنگ حاکی از احترامشان، قادر به رقابت با دنیایی که تحت سلطه علم قرار داشت، نبود.

3. Matthew Perry

4. President Millard Fillmore

5. Edo

1. Anne Applebaum

2. The Coronavirus Called America's Bluff

### این پاندمی باید آمریکا را بترساند!

پاندمی ویروس کرونا در نخستین روزهای خود است؛ اما مقیاس و شدت این بحران پزشکی و اقتصادی برای ایالات متحده آمریکا، می‌تواند به همان سهمگینی سفر مشهور پری شود. دو هفته قبل - که به نظر چند سال قبل بود - در ایتالیا بودم و درباره نخستین علائم ویروس نوشتم؛ من نوشتم که بیماری‌های همه‌گیر، حقایق نهفته جوامعی را که تحت تأثیر قرار می‌دهند، آشکار می‌سازند. این مورد هم در حال انجام چنین کاری است، اما با سرعتی وحشتناک. آنچه این ویروس درباره ایالات متحده آمریکا آشکار می‌سازد، نه فقط درباره دولت آن، بلکه درباره سیستم سلامت و بهداشت، نظام اداری و خود سیستم سیاسی آمریکا، باید آمریکا را نیز همانند ژاپنی‌هایی که صدای صاعقه وار شلیک تفنگ‌های نیروهای پری را از دور شنیدند، بترساند. هنوز هیچ‌کس این مسئله را درک نکرده است و در حقیقت، دانستن آن زمان خواهد بُرد. در این لحظه بسیاری از آمریکایی‌ها متقاعد شده‌اند که حتی در این بحران، جامعه ما از سایر جوامع تواناتر است.

مقالات زیادی درباره رفتار بی‌پروا و رعب‌آور مقامات در ووهان چین نوشته‌اند؛ آن‌ها در ابتدا، پزشکانی را که شروع به پُست (مطلب) گذاشتن و اطلاعات دادن کرده بودند، تهدید نموده و وادار به سکوت کردند. در

همان روزی که یکی از آن پزشکان، لی ونلیانگ<sup>۱</sup>، به ویروس کرونا مبتلا شد، کمیته سلامت و بهداشت شهرووهان اعلامیه‌ای صادر کرد مبنی بر این‌که تاکنون هیچ‌یک از کارکنان سلامت، به این ویروس مبتلا نشده‌اند و هیچ نشانه‌ای از انتقال انسان به انسان مشاهده نشده است. تنها سه هفته بعد از گزارش‌های اولیه بود که مقامات، کم‌کم گسترش این ویروس را جدی گرفته و تأیید کردند که در حقیقت، انتقال انسان به انسان صورت گرفته است. سه روز بعد، آن‌ها شهر را قرنطینه کردند و در نهایت، کل استان قرنطینه شد. این داستان بارها نقل شده و درست هم بوده و در واقع، شرحی است بر اشتباه سیستم چین؛ پنهان‌کاری و میل فراوان چینی‌ها به کنترل این بیماری در داخل جمهوری خلق چین، باعث شد تا دولت‌ها، روزهای زیادی را از دست بدهد و نتوانند طرح بهتری بریزند؛ اما بیان مکرر اقدامات نادرست چینی‌ها، کمی متکبرانه است.

آمریکا نیز هشدارهای اولیه این ویروس جدید را دریافت کرد اما آن‌هم، این اطلاعات را مخفی کرد. در اواخر ژانویه، درست همان زمانی که موارد ابتلا به کووید-۱۹ (بیماری‌ای که منشأ آن ویروس کرونا است)، کم‌کم در ایالات متحده آمریکا ظاهر می‌شد؛ یک متخصص

بیماری‌های عفونی در شهر سیاتل<sup>۲</sup>، خانم هلن ی. چو<sup>۳</sup> روشی برای پی بردن به وجود این ویروس پیدا کرده بود. او نمونه‌های سواب بینی را از میان ساکنان شهر سیاتل و حومه آن، به عنوان بخشی از مطالعات خود بر روی بیماری آنفلوآنزا جمع‌آوری کرده و پیشنهاد بررسی آن‌ها و یافتن ویروس‌های جدید موجود در نمونه‌ها را داده بود. مقامات ایالت و فدرال، این ایده را رد کرده، بحث محرمانگی اطلاعات را پیش کشیدند و موانع اداری مرتبط با مجوزهای آزمایشگاهی را برای این خانم علم کردند.

در نهایت و در پایان ماه فوریه، دکتر چو، دیگر نتوانست این سرسختی و انعطاف نپذیری را تحمل کند. آزمایشگاه او چند آزمایش انجام داد و ویروس کرونا را در یک نوجوانی یافت که به خارج هم سفر نکرده بود. یافته دکتر چو به این معنا است که این بیماری، از قبل هم در منطقه سیاتل در میان افرادی که هرگز قبلاً به خارج سفر نکرده بودند، گسترش یافته بود. اگر دکتر چو، یک ماه قبل این اطلاعات را پیدا می‌کرد، جان بسیاری از مردم نجات می‌یافت و گسترش بیماری کند می‌شد؛ اما حتی پس از مشخص شدن فوریت و ضرورت کار دکتر چو، دستور توقف آزمایش‌های او را صادر کردند. هر چند دکتر چو از دولت نترسید، در حالی که دکتر لی در ووهان، از

2. Seattle  
3. Helen Y. Chu

1. Li Wenliang



مقامات ترسید؛ اما دیوان سالاری قانون محوری - که چندان نگران این پاندمی نبود - مقامات وزارت غذا و دارو، مراکز کنترل و پیشگیری بیماری نیز دکتورچوراساکت کردند. گویی فشار سیاسی بر آن‌ها مبنی بر جدی نگرفتن این بیماری زیاد بود. دکتورچوتنها نبود؛ همه ما می دانیم که تست‌های تشخیصی کووید-۱۹، به تعداد کافی وجود ندارد. کره جنوبی که تقریباً همان مقدار زمانی را برای مهیا ساختن خود جهت رویارویی با این ویروس داشته که آمریکا داشته است، قادر به انجام ۱۰,۰۰۰ تست در یک روز است. آمریکا با جمعیتی بیش از ۶ برابر کره جنوبی تا به امروز (جمعه)، جمعاً فقط از ده هزار نفر (۱۵ مارس ۲۰۲۰) تست گرفته است. ویتنام که کشوری فقیر بوده، نسبت به آمریکا، از تعداد افراد

بیشتری تست گرفته است. روز پنج‌شنبه آقای دکتر آنتونی فاوسی، پزشک برجسته کشور و متخصص بیماری‌های عفونی در بیانات خود در کنگره، سیستم انجام تست و آزمایش آمریکا را ناامیدکننده خواند و گفت: «این‌که به همان روشی که در سایر کشورها انجام می‌شود، از هرکسی به راحتی تست گرفته شود، کار خوبی است اما سیستم بهداشت و سلامت آمریکا، آمادگی این کار را ندارد.» من هم فکرمی‌کنم که ما باید آماده انجام چنین کارهایی باشیم، اما در واقع نیستیم. چرا آماده نیستیم؟ اینجا دیگر مقامات حزب کمونیست چین به کسی در آمریکا دستور نداده‌اند که تست را انجام ندهد. هیچ‌کس مانع از صدور دستور تولید فوری و انبوه کیت‌های تست توسط مقامات دولتی آمریکا نشد.

با این حال، آن‌ها این کار را انجام ندادند. خود آن‌ها این کار را انجام ندادند. ما هنوز همه جزئیات را نمی‌دانیم؛ اما یک عامل این شرایط را نمی‌توان انکار کرد که آن هم این است که رئیس‌جمهور نمی‌خواهد، به طور گسترده از این بیماری حرف زده شود و نمی‌خواهد، همه درباره آن بدانند و مهم‌تر از همه، نمی‌خواهد تعداد کسانی را که به این بیماری دچار می‌شوند، خیلی بیشتر شود. ترامپ در توضیح این مطلب که چرا نمی‌خواهد یک کشتی تفریحی پر از آمریکایی‌های مبتلا به ویروس کرونا وارد کالیفرنیا شود، گفت: «من دوست دارم اعداد و ارقام در همان جایی باشند که هستند، من نمی‌خواهم به خاطر یک کشتی که آن‌هم تقصیر ما نبوده است، این اعداد و ارقام، دو برابر شوند.»

### آمریکایی که همان مسیر چین کمونیست را می‌رود!

به بیان دیگر، بی آنکه همچون چینی‌ها به تهدید و خشونت متوسل شویم، ما نیز همان نتایج مشابه را داشته‌ایم؛ دانشمندان اجازه ندارند، تحقیقات خود را انجام دهند، مقامات بهداشت و سلامت عمومی، عجله و آمادگی برای انجام آزمایش‌های بیشتر ندارند و همه این‌ها به خاطر این بود که بسیاری از افراد، ترس آن را داشتند که ممکن است وجهه و آینده سیاسی رهبرشان لطمه بخورد. من با نوشتن این مطالب، قصد تحسین حزب کمونیست چین را ندارم؛ اصلاً من این مطالب را می‌نویسم تا آمریکایی‌ها بفهمند که دولت ما نیز دارد، همان نتایج و پیامدهای حزب کمونیست چین را به بار می‌آورد. این بدین معناست که سیستم سیاسی ما، بسیار ناکارآمدتر از آن چیزی است که فکرش را می‌کردیم. اگر مشخص شود که (تقریباً هم به طور حتم، همین خواهد شد) سایر کشورها بسیار بهتر از ما در مواجهه با این نوع فاجعه عمل نموده‌اند، چه می‌شود؟ به سنگاپور نگاه کنید که چگونه فوراً نرم‌افزاری کاربردی (آپ<sup>۱</sup>) را تولید کرد که به طور فیزیکی می‌تواند، هرکسی را که قرنطینه شده، ردیابی کند و کاملاً تمام تماس‌هایی را که شخص مبتلا به این بیماری داشته

دونالد ترامپ هم دقیقاً مانند مقامات ووهان، نگران اعداد و ارقام بود؛ اعداد و ارقامی که نشان می‌دهند، وضعیت پاندمی چگونه است. تمام اطرافیان او نیز این موضوع را می‌دانستند. نشانه‌هایی وجود دارد مبنی بر این‌که الکس ایزار،<sup>۱</sup> وزیر بهداشت و خدمات انسانی ایالات متحده آمریکا، چندان مایل نبود تا به رئیس‌جمهور، چیزهایی را بگوید که به شنیدن آن‌ها مایل نیست. گزارشگر خبرگزاری پولیتیکو،<sup>۲</sup> آقای دن دایموند<sup>۳</sup> - که درباره سیاست بهداشت و سلامت می‌نویسد - در یک مصاحبه رادیویی به ظرافت و دقت، به شرح این مسئله پرداخته و بیان نمود: «برداشت من این است که طی هفته‌های اخیر، ایزار برای انجام آزمایش‌ها، بیشتر عجله و تلاش نکرد؛ تا حدودی به این دلیل که آزمایش‌ها، به کشف موارد بیشتر ابتلا به بیماری ویروس کرونا می‌انجامد؛ در حالی که رئیس‌جمهور روشن کرد که هر چه آمار و ارقام ویروس کرونا کمتر باشد، برای رئیس‌جمهور و انتخاب مجدد احتمالی او در پاییز امسال، بهتر خواهد بود». یک بار دیگر می‌گویم که هیچ‌کسی ایزار را تهدید نکرد؛ اما ترس از رنجاندن و ناراحت کردن رئیس‌جمهور، ممکن است باعث شده باشد که او در انجام آزمایش‌ها شتاب نکند.

است، ثبت خواهد کرد. به گره جنوبی و توانایی اثبات شده‌اش در انجام آزمایش‌ها نگاه کنید. به آلمان نگاه کنید، آن هنگام که آنجلا مرکل<sup>۵</sup> توانست صادقانه و صراحتاً درباره این بیماری با مردم حرف بزند و پیش‌بینی کرد که ۷۰ درصد از آلمانی‌ها، این بیماری را می‌گیرند، اما با این حال، بازارهایش سقوط نکرده است.

### آمریکای عریان و تصور اشتباه از خودش

آمریکا مدت‌ها عادت داشته است تا خود را بهترین و کارآمدترین بیند و جامعه‌اش را دارای پیشرفته‌ترین فناوری‌ها در جهان بداند؛ اما کم‌کم ثابت می‌شود که یک امپراتور عریان است. هنگامی که جان انسان‌ها در خطر است و ما به خوبی سنگاپور، کره جنوبی و آلمان نیستیم، مشکل این نیست که همانند مورد ژاپن در سال ۱۸۵۳، به لحاظ فناوری عقب باشیم، بلکه مشکل این است که دیوان‌سالاری و دولت نامحبوب، جزم‌اندیش، متعصب و منسوخ فدرال آمریکا، دیگر نمی‌تواند با انواع چالش‌هایی که در قرن ۲۱ با آن‌ها مواجه خواهیم بود، روبه‌رو شود. پاندمی‌های جهانی، جنگ‌های سایبری و جنگ‌های اطلاعاتی، همه این‌ها تهدیداتی هستند که به وجود مقامات باسواد و بسیار بانگیزه نیازمندند؛ سیستم مراقبت

1. Alex Azar  
2. Politico  
3. Dan Diamond

5. Chancellor Angela Merkel

4. Application

و بهداشت ملی که همه جمعیت را تحت پوشش قرار دهد، مدارس دولتی که به دانش‌آموزان آموزش دهد تا عمیق بیندیشند و انعطاف‌پذیر باشند، خواهند بود. ناکامی‌هایی را که در حال حاضر بر شمرده‌ایم، می‌توان تا حدودی به فرهنگ وفاداری‌ای نسبت داد که خود ترامپ سه سال است، دارد تلاش می‌کند تا آن را در واشنگتن جای بیندازد. همین دو هفته پیش، او محافظ ۲۹ ساله‌اش را (مردی که خود قبلاً به خاطر فعالیت‌های مخفیانه و غیرصادقانه مالی، از کاخ سفید اخراج شده بود) به ریاست تیم تحقیق و بازرسی از کارکنان منصوب کرد. نقش تیم تحقیق و بازرسی از کارکنان، این است که تضمین دهد تنها افرادی که کاملاً وفادار هستند، اجازه دارند برای رئیس‌جمهور کار کنند. ترامپ، همچنین با خودنمایی، بقیه مقاماتی را که در جلسات دادرسی صادقانه شهادت دادند، اخراج کرد؛ عملی که سیگنال خطر راست‌گویی و حقیقت‌گویی را به دیگران می‌دهد. همه این‌ها چند نمونه اخیر از سبک دیکتاتوری‌های ترامپ است که بارها و بارها، توسط افراد زیادی شرح داده شده‌اند. اکنون ما می‌بینیم که چرا دقیقاً همان سبک (دیکتاتوری)، بسیار خطرناک است و چرا رؤسای جمهور سابق از هر دو حزب سیاسی، عملکرد بسیار متفاوت‌تری داشته‌اند. در یک فرهنگ وفاداری، هیچ‌کس

به رئیس‌جمهور نخواهد گفت که شروع آزمایش‌های فوری گسترده، می‌تواند عاقلانه باشد، زیرا هرکس که این کار را انجام دهد، ممکن است از چشم رئیس‌جمهور بیفتد یا حتی اخراج شود. به غیر از این، عده بسیار کمی از افراد راست‌گو در اطراف ترامپ باقی مانده است؛ در واقع، افرادی که جرئت دارند و رئیس‌جمهور را عصبانی می‌کنند، این دولت و دیوان‌اداری آن را قبلاً ترک کرده‌اند.

### بحرانی حاصل از دهه‌ها کم‌کاری و اهمال‌کاری

اما برخی از آنچه ما اکنون شاهد آن هستیم، ارتباط چندانی به ترامپ ندارد. کژکاری آمریکایی نیز نتیجه سیستم سلامت و بهداشت دوشاخه ما است که هم بهترین و هم بدترین سیستم در جهان است و با هیچ نوع پاسخ‌جمعی ملی، متناسب نشده است. بحران کنونی، نتیجه دهه‌ها سرمایه‌گذاری کم در خدمات شهروندی، کم‌بها دادن به نظام اداری در بخش سلامت عمومی و سایر زمینه‌ها و مهم‌تر از همه، دست‌کم گرفتن طرح و برنامه‌ریزی بلندمدت. از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳، سرمقاله‌های زیادی درباره آمادگی برای جنگ بیولوژیکی و پاندمی برای واشنگتن پست نوشته‌م؛ موضوعاتی بودند که در آغاز، مورد توجه همه قرار داشتند و در آن زمان، برخی از سرمایه‌گذاری‌های کلان، دقیقاً

بر روی آن موضوعات انجام شد، به ویژه برای تحقیقات علمی که اکنون ما از آن‌ها سود خواهیم برد؛ اما این موضوعات در سال‌های اخیر، دیگر در صدر اخبار قرار نگرفتند. سناتورها و در میان آن‌ها جمهوری خواه میانه‌رو، سوزان کولینز<sup>۱</sup> از ایالت مین<sup>۲</sup> «آمادگی برای پاندمی» را موضوعی نمی‌دانست که ارزش داشته باشد تا برای آن پول خرج کنند. اپیدمی آنفولانزای جدید، به قدر کافی مردم را ترساند. اخیراً ترامپ مقامات سلامت بین‌الملل را از شورای امنیت ملی کنار گذاشت، زیرا موضوع موردعلاقه او یا در واقع موضوع موردعلاقه بسیاری از مردم در واشنگتن نبود.

به عنوان یک کشور، ما به قدر کفایت در برنامه‌ریزی طولانی‌مدت، خوب عمل نکرده‌ایم و جای تعجبی ندارد که در سیستم سیاسی ما تأکید شده است که هر رئیس‌جمهور، اجازه نصب هزاران نماینده جدید را داشته باشد. از جمله مقاماتی که به پاندمی‌ها فکر می‌کنند. چرا این کار ضرورت دارد؟ چرا متخصصان اجازه ندارند تا بالاترین میزان نمایندگی‌های رسمی و مراکز تشخیص و کنترل را داشته باشند؟ من قبلاً هم درباره مشکل عدم پیوستگی در سیاست خارجی نوشته‌ام. روسای جمهور جدید انتخاب شده و فکرمی‌کنند که آن‌ها می‌توانند روابط خود با

1. Susan Collins  
2. Maine





سایر کشورها را دوباره مانند قبل کنند و به صلح برسند، گویی که سایر کشورها، همه چیز را فراموش کرده‌اند و ما می‌توانیم با شادمانی، روابطمان را دوباره از سر بگیریم و از صفر شروع کنیم. البته که هر ۴ یا ۸ سال، باید اعضای کابینه جدید وجود داشته باشد اما آیا باید همه آن معاونت‌ها و نمایندگی‌ها و همچنین، نماینده نماینده نماینده آن‌ها تغییر کنند؟ همه این اتفاقات، و رای سایر آسیب‌شناسی‌های آشنا رخ می‌دهند؛ قطبی‌سازی شدید، ترکیب سیاست و سرگرمی، از دست رفتن اعتماد به نهادهای دموکراتیک، بستن چشم‌ها به روی فساد، جرم کارمندان اداری و پول‌شویی، رشد نابرابری، تبدیل رسانه اجتماعی و بخشی از اخبار

رسانه به منتقل‌کنندگان اطلاعات نادرست (برای کسب سود)؛ همه این‌ها بخشی از پس‌زمینه عمیق این بحران هستند. البته مسئله این است که آیا این بحران، به قدر کافی به ما شوک وارد خواهد کرد که روش‌هایمان را عوض کنیم؟ ژاپنی‌ها در نهایت با چیزی بیش از ترس، به گردان کشتی‌های فرمانده پری واکنش نشان دادند. آن‌ها از لاف و گزافه‌گویی درباره کشورشان، به عنوان قله زمین دست کشیدند، سیستم آموزشی خود را اصلاح کرده، روش‌های علمی غربی‌ها را اتخاذ نمودند، دولت خود را از نو سازمان‌دهی کرده و نظام اداری مدرن خلق نمودند. این تغییرات گسترده که به احیای

میچی معروف است و ژاپن را برای بهتری‌ا بدتر شدن وارد دنیای مدرن کرد. طبیعتاً طبقه مبارزان سامورایی قدیمی در برابر آن تغییرات، مقاومت کرد و عصبانی شد؛ اما آن زمان، تهدید جدید به قدری روشن و آشکار بود که افراد زیادی آن را فهمیدند؛ آن‌ها دانستند که بسیج ملی ضرورت داشت و افراد زیادی فهمیدند که اوضاع برای همیشه به همان شکلی که قبلاً بوده است، پیش نخواهد رفت. آیا مسئله ژاپن ممکن است در آمریکا نیز اتفاق بیفتد؟

#### منبع

این مطلب در ۱۵ مارس سال ۲۰۲۰ در تارنمای آتلانتیک منتشر شده و در آدرس ذیل قابل دسترسی است:  
<https://www.theatlantic.com/ideas/archive/2020/03/coronavirus-showed-america-wasnt-task/608023/>